

گفت‌وگو
جواد معمری

گفت‌وگوی «جوان» با سعید مستغاثی، کارشناس سینما درباره برگزیدگان اسکار این دوره

فیلم‌های اسکار هر سال سخیف‌تر می‌شوند

پوست‌اندازی هیولاها مضمون اصلی اسکار امسال بود



مراسم اسکار هر سال که جلو می‌رویم از دو منظر دچار ابتذال بیشتری می‌شود؛ یکی در نحوه اجرا و حواشی و دیگری در محتوای فیلم‌ها. جالب است که سال به سال توجه افکار عمومی به این رویداد کمتر می‌شود. با سعید مستغاثی، کارشناس سینما در رابطه با اسکار این دوره گفت‌وگو کردیم.

■ ■ ■

سال گذشته مراسم اسکار کاملاً در حاشیه و متن تحت تأثیر موضوع فلسطین و غزه بود. از تظاهرات بیرون سالن برگزاری گرفته تا اظهار نظر و مواضع سینماگران روی سن مراسم. امسال هم یک فیلم درباره فلسطین به نام «سرزمین دیگری» اسکار بهترین فیلم مستند را در یافت کرد. به نظر می‌رسد گردانندگان اسکار به هر حال به خصوص در سال گذشته نتوانستند خود را از زیر فشار افکار عمومی درباره مسئله فلسطین و غزه نجات بدهند و غالب نگاه‌ها به این موضوع بود. جایزه به یک فیلم فلسطینی در این دوره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما پیش از این هم شاهد حضور فیلم‌های فلسطینی در اسکار بوده‌ایم. مثل فیلم الیا سلیمان، فیلم ابوحماد السعد، فیلم عمر و از این قبیل. واقعیت ماجرا این است که مراسم اسکار که در اواسط اسفند بر گزار می‌شود، انتهای یک دورانی است که به آن خط جویز می‌گویند، از اواخر نوامبر آغاز می‌شود و شامل جوایزی می‌شود که انجمن‌های نقد فیلم و اتحادیه‌های هنری به کارگردان‌ها، تهیه‌کننده‌ها، نویسنده‌ها و اصناف دیگر در امریکاعطای می‌کنند و بعد مراسمی مثل بنفای گلدن گلوب و سزار پیش‌زمینه آن است. این فصل جویز تا اواخر فوریه و مارس ادامه دارد. اگر خوب دقت کنید کل انتخاب‌های این جشنواره‌ها و انجمن‌های نقد از ۲۰ تا ۲۵ فیلم فراتر نمی‌رود. این از مجموع ۸۰۰ تا ۹۰۰ فیلمی است که تولید می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد. این فیلم فلسطینی هم در تمام این جشنواره‌ها و فهرست منتقدان وجود داشته است. یعنی اینکه نبوده که اسکار یک دفعه بیاورد و تصمیم بگیرد این فیلم را بالا ببرد. الان موقعیتی که غرب مقابل فلسطین دارد یک حالت به اصطلاح آجمن‌زدگی است یا به عبارت دیگر در برابر عمل انجمن‌ها قرار گرفته است. در واقع کنترل کار از دست خارج شده است و نمی‌تواند به رغم تمایل خودش بی‌اعتنا باشد. در فصل جویز سال گذشته موضوع غزه در همه رویدادهای هنری غرب خود را نشان می‌داد. فیلم سرزمین دیگری هم درباره همزیستی مسالمت‌آمیز یهودیان با فلسطینی‌ها سخن می‌گوید. در واقع آنها اجازه نمی‌دهند فیلمی که موجودیت اسرائیل را به رسمیت نشناسد، اساساً تولید شود تا اینکه بخواهد در فصل جویز خود را نشان دهد. فیلم را یک فلسطینی و یک اسرائیلی ساخته‌اند. همه جابج‌هم مطرح می‌کنند که ما می‌خواهیم هم اسرای فلسطینی آزاد شویم و هم اسرای اسرائیلی. هم حملات حماس را محکوم می‌کنند و هم جنایات اسرائیلی‌ها را. در واقع مستند یارویک‌د صلح میان فلسطین و اسرائیل ساخته شده است اما به جنایات اسرائیل هم می‌پردازد و آن را نیز محکوم می‌کند. بالاخره جریانی هم در اسرائیل هستند که مخالف شهرک‌سازی‌ها هستند، البته این را هم باید در نظر گرفت که هنوز نفی کامل اسرائیل در غرب و اینکه این کشور از اساس نامشروع است به یک گفتمان غالب تبدیل نشده اما رویکردها در افکار عمومی در حال پیشروی به این سمت است. خوبست‌خانه پس از طوفان اقصی گفتمان به سستی می‌رود که اشتغالگری اسرائیل از ابتدای تشکیل را زیر سؤال می‌برد. در فیلم فلسطینی‌ها در مقابل اشتغالگری اسرائیلی‌ها عنوان می‌کنند که سرزمین دیگری برای ما وجود ندارد و این شعار آنهاست. سال گذشته یک فیلم بود که کارگردان عکبوت مقدس درباره ترامپ ساخته بود. به نظر تان آن فیلم چقدر جدی بود؟

فیلم عباسی هم سفارشی بود و در واقع تبلیغ ترامپ بود نه ضد ترامپ. خود ترامپ آمد مدعی شد شکایت می‌کند اما هیچ اتفاقی هم نیفتاد. اصلاً در زمان انتخابات حواشی همین فیلم کلی به ترامپ کمک کرد. فیلم در واقع ترامپ را قهرمان نشان می‌داد اما برای بازار گرمی مدام خودشان حاشیه برای آن در ست می‌کردند.

امسال یک فیلم ایرانی هم در بخش انیمیشن کوتاه جایزه گرفت با عنوان سایه سرو که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم ظاهر از آن حمایت مالی کرده است.

انیمیشن بدی نیست هم در موضوع و هم در ساختار، اگر انیمیشن‌های قوی‌تری بودند قافیه را می‌باخت. آثاری مثل «یک داستان تقریباً کریسمسی» که فیلمی منتقد به سیاست‌های امریکاست، اگر بود رقیب جدی محسوب می‌شد.

این دوره از اسکار هم آیا حاشیه‌های خاصی داشت؟

هر فصل جویز یک تم خاصی را داراست. اینکه همه انجمن‌ها و رویدادهای سینمایی تقریباً شبیه به هم فیلم‌ها را انتخاب می‌کنند، موضوع عجیب و قابل تأملی است. در ایران اگر برای مثال جشنواره فجر به یک فیلمی زیاد توجه می‌کند، در جشن خانه سینما سعی می‌کنند طوری عمل کنند که توزیع جویز متفاوت‌تر باشد اما در امریکا تقریباً یک شکل جایزه می‌دهند و به فیلم‌ها توجه می‌کنند. دهها انجمن فیلم در امریکاست از بوستون گرفته تا نیویورک، تگزاس، لس‌آنجلس و لندن و ونکوور در کانادا که ۲۰ تا ۲۵ فیلم را مورد توجه قرار می‌دهند. اسکار قواعد خاص خودش را دارد، مثل جشنواره فجر. برای مثال فیلمی که در اسکار بررسی می‌شود، حتماً باید مدت یک هفته در یکی از سالن‌های لس‌آنجلس اکران شده باشد. اسکار اساساً ادعا ندارد که ما

به فیلم هنری جایزه می‌دهیم، جالب است که صراحتاً عنوان می‌کنند ما به فیلمی جایزه می‌دهیم که نخست صنعت سینمای امریکا را رشد بدهد، یعنی مخاطب را جذب کند، با مخاطب ارتباط بگیرد و دوم اینکه فرهنگ و ایدئولوژی امریکایی را بسط دهد، یعنی سبک زندگی برای‌شان اهمیت دارد و این را رسماً اعلام کرده‌اند. در مانیفست و بیانیه اول که سال ۱۹۲۷ نوشته شده، این آمده است. سال ۲۰۲۰ تصویب کردند اگر یکی از شخصیت‌های فیلم یا حتی بازیگران اقلیت جنسی باشد، این امتیاز محسوب می‌شود. اینها قوانین آکادمی اسکار است و ربطی به انجمن‌های نقد فیلم ندارد اما شما می‌بینید باز انتخاب‌ها یکسان است! انگار انگار همه خود را ملزم می‌دانند آن را اجرا کنند. این امتیاز بدون سبب می‌شود نویسنده‌ها و فیلمسازان نیز نتواند بگویند که این مسئله داشته باشند؛ همه آنرا، همه امیلیا پرز، همه آن کلر. بعد وقتی دقت می‌کنید، می‌بینید برای مثال این فیلم کلیتتاً ایستود که خیلی بهتر از فیلم آنورا بود، پس چرا اصلاً در فهرست‌ها نبود و اسمش را هم نیابورند، حتی در یک دهه اخیر به این موضوع پرداخته بود و سال وجود دارد که اگر فیلم‌ها آن را رعایت نکنند، اصلاً دیده نمی‌شوند و به آنها اعتنا نمی‌شود. یک سال جنبش وال‌استریت بود. یک سال جو کریسم بود. غلبه طبقه فروپرست شرور بر طبقه متهمن سرمایه‌دار مطرح بود. فیلم کرای انگل خیلی واضح به این موضوع پرداخته بود و اسکار بهترین فیلم بین‌المللی را هم گرفت. یک سال تم جنایت موجه غلبه داشت. نکته این است که آکادمی اسکار حدود ۸ هزار عضو دارد و آیا همه این اعضا وقت می‌کنند این همه فیلم را بررسی کنند؟ واضح است که خیر و این رسانه‌ها جشنواره‌ها و انجمن‌های نقد فیلم هستند که ابتدا فیلم‌های مهم را معرفی می‌کنند و بعد ممکن است سینماگران وقت کنند. ۱۵ تا ۱۰۰ تایی آن را ببینند و نظر بدهند، و گرنه بیکار که نیستند و اگر هم باشند باز وقت نمی‌کنند برای این همه فیلم.

جالب است که در یک دهه اخیر به نظر می‌رسد تغییرات عجیب و زیادی در فهرست‌های ۱۰۰ فیلم‌تر تاریخ ریج سینما مشاهده می‌شوند. برخی از فیلم‌های مهم به مرور در حال بیرون رفتن از فهرست‌ها هستند و برخی فیلم‌های سخیف و کم‌مایه وارد فهرست می‌شوند. این هم نمی‌تواند بی‌دلیل باشد. به نظر می‌رسد نقدنویسی نیز دیگر آنچنان مثل گذشته جدی نیست و مافیاهایی پشت پرده وجود دارند که تأثیر گذار هستند.

مرحوم دکتر بریعتی یک بحثی دارد به نام امت و امامت و در قالب آن مطرح می‌کند که در غرب و در انتخابات‌ها دیگر نمی‌آیند یکسری رأی بریزند در صندوق‌ها و کسی را بالا بیاورند. آنها رأی را در ذهن آدم‌ها می‌سازند، واقعیتهی که ما امروز شاهد آن هستیم و با رسانه‌های کار را انجام می‌دهند. لیکر مطیع هم البته لازم دارد که باید به خط بکشد تا کار را سازمان دهد. رسانه‌ها دست کسانی است که کمپانی دارند و سرمایه‌ها دست آنهاست. دولت امریکا بایدن، ترامپ و اینها نیستند. دولت امریکا همین سرمایه‌داران، گردانندگان رسانه‌ها، کارخانه‌های اسلحه‌سازی و کمپانی‌های بزرگ هستند.

تم و موضوع این دوره از اسکار به نظر تان چه چیزی را شامل می‌شد؟

امسال بحث هیولاها و پوست‌اندازی آنها خیلی به چشم می‌خورد. در فیلم امیلیا پرز آن رئیس مافیای مکزیک با یک عمل جراحی تبدیل به یک آدم به ظاهر مثبت می‌شود یا در فیلم آنورا آن روس غول‌نشن تبدیل به آدم آرامی می‌شود. مصداق این موضوع در عرصه واقعیت جهانی فردی مثل جولانی است که پیش از این از سوی دولت امریکا به عنوان یک تروریست خطرناک مطرح بود و یک آن این فرد

تبدیل به یک آدم کت و شلوازی می‌شود که منجی کشور سوریه است! یک هیولابه یک آدم حسابی تبدیل می‌شود! فقط با یک تغییر در لباس پوشیدن و آرایش مو و چهره. این را شما در فیلم امیلیا پرز به وضوح مشاهده می‌کنید.

این موارد را که در فیلم‌ها قابل مشاهده است، شما منفی می‌دانید یا مثبت، یعنی این آثار در حال هشدار دادن و به اصطلاح رسوا کردن هستند و قصد دارند پیامی را به مردم جهان مخابره کنند؟ یعنی می‌شود اینطور تلقی کرد که مقابل جریان مخفی که سعی می‌کند محتوای آثار را مدیریت کند، جریان مخفی دیگری هم وجود دارد که به مقابله با آنها برخاسته و به طور چراغ خاموش سعی می‌کند کدهایی را در فیلم‌ها قرار دهد و پیامی را مخابره کند که مردمی تر است. به نظر می‌توان از این منظر هم به موضوع نگاه کرد.

به نظرم اینطور نیست. در واقع همه فیلم‌ها در حال زمینه‌سازی ذهنی یگسائی هستند.

شما معتقدید یک جریان غالب وجود دارد که کنترل همه چیز را در دست دارد و مقابل آن جریان فکری چیز دیگری وجود ندارد؟

برای مثال در فیلم شرور پیامی که می‌بینیم این است که یک فرد شرور ممکن است آنطور هم که ما فکر می‌کنیم شرور نبوده باشد. شما نسبت به شرور و ذهنیت مثبتی برای‌تان ایجاد می‌شود. آنها تصویرسازی می‌کنند. برای مثال ۱۱ سپتامبر را در آثارشان پیش‌بینی می‌کنند. ژان پیر ژونیه فیلمی دارد با نام «فردا اتفاق افتاد» که تا ۲۰ سال بعد را پیش‌بینی می‌کند. این فیلم در سال ۱۹۸۱ ساخته شده و در آن نشان می‌دهد مسلمانان به برج‌های دوقلو حمله می‌کنند تا حادی این تبلیغات در فیلم‌ها وجود دارد که وقتی ۱۱ سپتامبر اتفاق می‌افتد، انگار برای امریکایی‌ها یک موضوع معمولی است و آن را تجربه کرده‌اند، ۱۶ سال پیش از آنکه ترامپ بیاید، شما در انیمیشن سیمپسون‌ها ترامپ را مشاهده می‌کنید یا ۳۰ سال پیش از اشغال عراق در فیلم جن‌گیر به این موضوع اشاره می‌شود.

در این میان فکر می‌کنید سینمای موسوم به مستقل امریکا تا چه اندازه جدی است؟ اصلاً قائل به چنین سینمایی هستید؟

به نظرم این یک عنوان مبلفه‌آمیز است. ما چنین چیزی را در سینمای امریکا مشاهده نمی‌کنیم. یک مقدار شاید این نگاه از سوی خیلی‌ها از یاد بی‌دینانه به نظر بیاید، چون در آثاری مثل پدرخوانده و رهایی در شاتوشنگ که جزو آثار برتر سینمای امریکا هم هستند، به وضوح ردپای ضدسیستم بودن را می‌بینیم. شما ببینید فیلم‌های امریکایی چقدر راحت به ایران می‌آیند و دوبله می‌شوند و کسی هم در امریکا اعتراضی نمی‌کند. شما اگر همین فیلم را در امریکا داشته باشید، ۲۵۰ دلار جریمه خواهد داشت. اینجا نمی‌دانید چه کسی ترجمه می‌کند، دوبله می‌کند یا زیرنویس برای آن درج می‌کند.

طبیعی است که امریکا از ترویج فرهنگ و صدای خودش در کشور‌های دیگر استقبال هم بکند و نکته دیگر اینکه ایران اساساً عضو کنوانسیون کپی رایت نیست.

اگر آن کمپانی دوست نداشته باشد فیلمش پخش شود، پخش نخواهد شد. قطور ما را در همه چیز تحریم کردند اما در این مورد تحریم نکردند.

خب در حال صدور فرهنگ و سبک زندگی خودشان

هستند و طبیعی است که نه تنها تحریم نکنند که پول هم خرج کنند تا ترویج شود.

بله و تم فصل جویز هم بر اساس چالش‌های جهانی رقم می‌خورد. در سسالی که ایران و عراق دچار برخی ناآرامی‌ها بودند، شما تم جوکر را مشاهده می‌کردید که در خیلی از فیلم‌ها وجود داشت. در ناآرامی‌های عراق و لبنان تصاویر جوکر در دست تظاهرات‌کنندگان قابل مشاهده بود.

این دوره سعی کردند فیلم محمدرسول‌اف با عنوان «دانه انجیر معابد» نیز تا جایی بالا بیاورد اما در نهایت به آن بی‌اعتنایی شد.

بالاخره اسکار هم به لحاظ قابلیت‌های فنی و هنری کفی دارد که فیلم رسول‌اف واجد آن هم نبود. درست است که فیلم بر اساس حمایت‌های پشت پرده تا جایی پیش رفت و از سوی کشور آلمان به اسکار فرستاده شد اما خود آنها هم می‌فهمند اگر قرار باشد به چنین فیلم ضعیفی اسکار تعلق بگیرد، دیگر آبرویی برای این رویداد باقی نمی‌ماند. در جشنواره کن هم داوران هیچ جایزه مهمی به این فیلم ندانند. یک جایزه بود که آن هم دبیر جشنواره در آخر از استیشن بیرون کشید و رسماً هم عنوان کرد این جایزه صرفاً برای به اصطلاح هزینه‌هایی که رسول‌اف به جان خریده اهدا می‌شود، یعنی ارزش هنری و سینمایی ندارد. به عبارتی دیگر این پیام را داد که یک جایزه سیاسی است که باید می‌دادیم. نمی‌دانم شما فیلم را دیدید یا نه چون واقعاً فیلم مرخرقی است.

حقیقتاً سعی می‌کنم برای چنین آثاری وقتم را هدر ندهم، ضمن اینکه یک سکانس از چنین آثاری کافی است که بشود درباره آن قضاوت کرد.

شما با دو ساعت فیلم مواجهید که تا دقیقه ۸۰ داستان اصلاً راه نمی‌افتد، یعنی می‌توانید ۸۰ دقیقه را بکنید و دور بیندازید. خب این چه فیلمی است؟ فیلم در جشنواره لندن و گلدن گلوب هم رفت و اتفاقی برایش نیفتاد. در اسکار هم رقیب آنجمن نداشت و اگر حداقل‌های هنری را داشت با آن همه دوپینگ می‌توانست بالا بیاورد. آن سالی که فیلم «جبهه‌های آسمان» مجید مجیدی خیز بردشت برای کسب اسکار یک رقیب گردن کلفت به نام «زندگی زیباست» و برتر بیننی داشت که راجع به هولوکاست بود اما امسال در بخش بین‌الملل اثر آنچنان قابل توجهی هم وجود نداشت. به هر حال هر قدر دوجو تاچرا تا کردند، دیدند نمی‌شود به چنین مخرقی اجازه داد.

حتی در داخل کشور هم جریانی سعی کردند به این فیلم ضرب بدهند. از جمله یک انجمن سینمایی بود که حتی بیانیه‌ای هم در مدح این اثر صادر کرد.

بله، اما امروز می‌بینید که اینها بکوتی مرگبار دارند و هیچ‌کس درباره این موضوع حرفی نمی‌زند. هیچ تحقیری بالاتر از این نیست که فیلم‌برد در جشنواره‌های خارجی کانه گدایی دست بگیرد. فیلمی که نتواند در گیشه پول دربیاورد، مجبور است در رویدادهای خارجی گدایی کند. درباره فیلم رسول‌اف این اتفاق رخ کرد. درباره فیلم‌های جنسی که از سال ۲۰۲۰ رسماً اعلام کردند به آن امتیاز می‌دهند، ظاهر آثار تأثیر خودش را گذاشته و امسال فیلم آنورا دقیقاً چنین رویکردی داشت. بله، امسال برای اولین بار در فیلم مجمع کار دینال‌ها پاپ یک ترنس جنسیتی است! پاپ در این فیلم وقتی انتخاب می‌شود اعلام می‌کند من یک زن هستم! آنورا واقعاً فیلم نبود. ۴۰ دقیقه آن صحنه‌های جنسی است بدون قصه و داستان و بعد تبدیل به یک فیلم زرد می‌شود. یک فردمانده روس قصد دارد با یک قاضی‌خانه دواج کند و پدر و مادر روس او به امریکا می‌آیند تا جلودی او را بگیرند و ۴۰ دقیقه دنبال او می‌دوند. آنها در فیلم‌های‌شان معمولاً روس‌ها را خنگ، مشروب‌خوار و پولدار تصویر می‌کنند. فیلم چیزی ندارد جز صحنه‌های مبتذل جنسی.

سال به سال هم این مسائل بیشتر دامن فیلم‌ها را می‌گیرد و ضرب‌ب بیشتری می‌گیرند.

سال‌ها پیش دست کم دوسه تا فیلم قابل دیدن وجود داشت اما امسال و در این دوره تقریباً اغلب فیلم‌ها سخیف و بی‌مایه بودند. به نظر می‌رسد تحولات جهانی به خصوص در میان ملت‌ها و مردم که سرعت زیادی هم دارد، موجب شده اینها هم شتاب بیشتری به خرج بدهند و سعی کنند افکار مرض خود را در آثارشان بیشتر بروز و ظهور دهند، اما حقیقت ماجرا این است که مدیریت افکار عمومی از دست‌شان در رفته است. می‌شود گفت امسال به سیم آخر زده بودند. مثل حیوانی که در تله‌ای گیر کرده و تقلامی کند اما بیشتر خود را زخمی می‌کند. سینمای غرب به چنین فرجامی رسیده است.

توسعه شبکه‌های اجتماعی هم به این موضوع دامن زده و به نظر می‌رسد سبب رشد آگاهی‌های عمومی شده است. باید گفت توجهات به اسکار هم سال به سال کمتر می‌شود و افکار عمومی به این رویداد بی‌اعتنا تر می‌شوند. قطعاً محتوای سخیف آثار ربط مستقیمی با این موضوع دارد.

بله، البته اسکار برای بخشی از خود سینماگران امریکایی هم رویداد مهمی نبوده است. برای مثال فیلم‌سازان مهمی چون وودی آلن و هیچ‌وقت پای‌شان را روی فرش اسکار نگذاشته‌اند اما حالا دیگر به نظر می‌رسد خیلی‌های دیگر هم کسر شأن می‌دانند در این مراسم شرکت کنند، البته یک دورانی اسکار جذابیت‌هایی داشت. برای مثال در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شما نمی‌توانستید پیش‌بینی کنید که چه کسی جایزه می‌گیرد. وقتی «سکوت برده‌ها» جایزه گرفت همه تعجب کردند. نمی‌شد از سه ماه پیش حدس بزنید چه فیلمی جایزه می‌گیرد. یک زمانی بالاخره چند آدم حسابی را در مراسم می‌دیدید اما الان دیگر یکسری لدفک هستند که برای خودنمایی می‌آیند. الان دیگر مجری خوب هم نمی‌توانند به این مراسم بیاورند.